

همشهری

حافظ
ای مجلسیان، سوز دل حافظ مسکین
از شمع پیرسید که در سوز و گداز است

صفحات: ۱۲ | مدیر: علی رضا پور

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

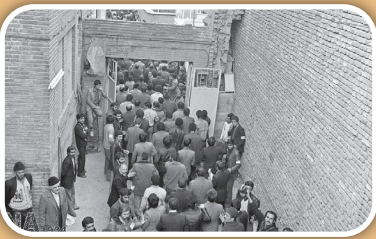
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرینی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۴
تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۳۰۰۰ | فاکس: ۰۲۱-۲۲۰۴۶۰۶۷

پدیرش آگهی: ۸۳۳۳۱۰۰۰ | توزیع و اشتراک: موسسه گسترش امروز نوین
چاپ: همشهری | تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ | تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

ایرانشهر:
■ دبیر: مهرداد عباسی
■ تندرستی:
■ مدیر: سعید محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانشگاه:
■ دبیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خالقی
سرمزین:
■ دبیر: محمد باریکاتی

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شورنگار:
■ دبیر: پروانه بهرام نژاد
■ دبیر: مریم باقریور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی پور
تماشگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب پور
■ دبیر: لیلیا فرسند

این مکتب... مدرسه‌ای که مقرر فرماندهی انقلاب شد



سیدشوش طباطبایی پور
تاریخ انقلاب، پیوندی ناگسستنی با مدرسه دارد؛ آن هم مدرسه‌هایی به نام رفاه و علوی در خیابان ایران که امام خمینی (ره) آنها را به عنوان نخستین اقامتگاه خود بعد از ۱۴ سال دوری از وطن برگزید، اما مگر این خیابان تاریخی و این مدارس انقلابی چه ویژگی‌هایی داشتند که توانستند در نخستین روزهای ورود امام (ره) به وطن، او را در آغوش بگیرند؟ به مناسبت اعلام خبر نخستین اقامتگاه امام (ره) در ایران پس از سال‌ها دوری از وطن در چنین روزی، در اینجا نگاهی به تاریخ این خیابان و این مدارس انقلابی می‌اندازیم.

تاریخش



در عهد قاجار، حتی اگر ابدارچی دربار هم بودی، به مکتب دنیا می‌رسیدی؛ مثل «ابراهیم خان سقاباشی» که ابدارچی و سقاباشی دربار پادشاهان قاجار بود. البته او پدر جناب میرزا علی اصغر خان اتابک، صدراعظم ۳ پادشاه قاجاری نیز بود و توانست در باغی سرسبز در تهران، ساختمانی، بازارچه و گرمابه‌ای بسازد و همین شد که پای تهرانی‌ها به این بخش از تهران هم باز شد و نام این گذرگاه را سقاباشی گذاشتند.
بعد از مدتی، یکی از درباریان عهد مظفرالدین شاه به نام «عبدالمجید میرزا عین الدوله» در همین مکان عمارتی ساخت و چون رفت و آمد او به این مکان زیاد شد، نام این گذرگاه به نام «عین الدوله» تغییر کرد. این گذرگاه، پر از درختانی سر به فلک کشیده و جوی‌هایی روان بود که کالسکه‌های شاهزاده‌های اشرافی به بهانه ملاقات با عین الدوله از میانش می‌گذشتند و کم‌کم، این خیابان رنگ و بوی اشرافی به خود گرفت و برخی اشراف‌زادگان در آنجا ساکن شدند، اما این نام تا ابتدای پادشاهی رضاشاه پایدار ماند و آنگاه نامش به ایران، تغییر کرد.

چرا خیابانی انقلابی؟



در دوره‌ای که مشروطه خواهان به تهران حمله کردند، این خیابان، یکی از مکان‌هایی بود که درباریان در آن سنگر گرفتند؛ به همین دلیل در این خیابان، جنگی سخت میان مشروطه خواهان و درباریان مستبد در گرفت و نامش به عنوان خیابانی انقلابی در تاریخ ایران ثبت شد.
انقلابی بودن این خیابان، دلیل دیگری هم داشت؛ شهیدان بهشتی، رجایی و باهنر و گروهی دیگر از انقلابیون که با رژیم پهلوی مبارزه می‌کردند، در این خیابان، ۲ مدرسه اسلامی رفاه و علوی را تأسیس کردند تا در آنها، دختران و پسرانی انقلابی و مسلمان تربیت کنند و اینگونه بود که خیابان ایران، به کانون مبارزه با رژیم پهلوی نیز تبدیل شد.

چرا رفاه؟



امام خمینی (ره) دلش می‌خواست که برای در دسترس بودن مردم در مکانی اقامت کند که در مرکز شهر باشد و خیابان ایران، این ویژگی را داشت. همچنین امام به نزدیکی گشته بود دوست دارد در مکانی مستقر شود که به دولت وابسته نباشد. مدارس رفاه و علوی، خصوصی بودند و این ویژگی را هم داشتند. سادگی هم دیگر شرط امام بود و باعث شد خیابان ایران و مدرسه رفاه به نخستین مقر فرماندهی انقلاب تبدیل شود. امام خمینی (ره) در روز ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در مدرسه رفاه مستقر شدند و بعد از یک روز اقامت، به خاطر کوچکی مدرسه رفاه، به مدرسه علوی نقل مکان کردند. سپس امام (ره) روز دهم اسفند به شهر قم سفر کردند.



اینجا جذاب‌ترین پیاده‌رو تهران است

گزارش تصویری از محبوب‌ترین مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری تهران به بهانه ساخت مسیر ۴۷ کیلومتری در منطقه ۲

فاطمه عباسی
فریدریش نیچه، شاعر و فیلسوف عجیب آلمانی یک جمله بسیار معروف دارد؛ اینکه «تمام افکار عالی، هنگام پیاده‌روی به دست می‌آیند». واقعیت هم این است که هیچ ترکیبی مثل هوای تازه و فعالیت بدنی باعث ایجاد حس راحتی و آرامش نمی‌شود و فکر آدم را باز نمی‌کند. کمتر کسی هم هست که بگوید از پیاده‌روی خوشش

نمی‌آید. اما پیاده‌روی در شهرهای شلوغ و پر ترافیکی مثل تهران خودمان که برخی روزها با آلودگی‌های زیادی هم روبه‌روست، کمی سخت است. اینجا است که اهمیت بوستان‌ها و مسیرهای پیاده‌روی که به «جاده‌های تندرستی» یا «مسیر سلامت» معروف هستند، نمایان می‌شود. تهران هم که تا دلتان بخواهد پارک و بوستان و راه برای پیاده‌روی دارد.



مکت
دو نده‌های حرفه‌ای معمولاً برای تمرین، بوستان پر دیسان دارای یک رینگ ۷ کیلومتری با عنوان مسیری تندرستی است که علاوه بر پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، جاده مناسبی برای دونه‌هاست؛ ضمن اینکه سختی مسیر پیاده‌روی و البته دویدن در پارک پر دیسان در حد متوسط است؛ یعنی میزان مناسب بودن آن برای تمامی سنین و صعب‌العبور بودنش در حد متوسط است و از این لحاظ مشکلی برای رده‌های سنی مختلف ایجاد نمی‌کند. تقریباً در تمامی فصل‌ها می‌توانید برای پیاده‌روی و دویدن روی این پارک حساب کنید و از مناطق اطراف و جنگل‌های کناری آن نیز لذت ببرید. جالب است بدانید که طبق نظر سنجی‌ای که در سایت Quofa از ایرانیان مقیم پایتخت مبنی بر مسیرهای محبوب دویدن در شهر تهران انجام شده است، پارک پر دیسان نیز در این لیست قابل مشاهده است.



تندرستی در جنوب تهران

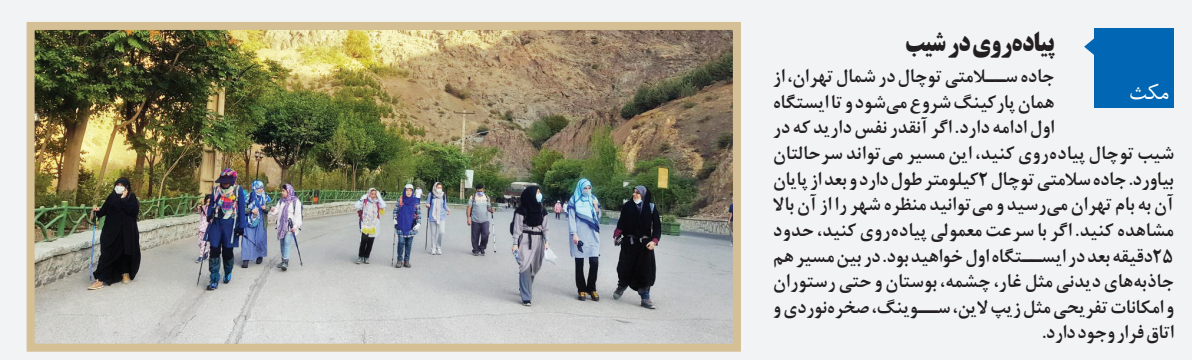
یکی از همین جاده‌های سلامت با مسیرهای تندرستی، در بوستان بزرگ ولایت قرار دارد. دوچرخه‌سواری این پارک می‌تواند پیاده‌روی کنید، در هوای پاک نفس بکشید یا آزادانه دوچرخه‌سواری کنید و در مسیری پرچالش، اما لذتبخش رکاب بزنید. البته در این پارک، دوچرخه گرایه داده نمی‌شود و برای انجام این ورزش باید دوچرخه همراه داشته باشید. احتمالاً هم دونه‌های حرفه‌ای زیادی را در این بوستان خواهید دید که با سرعت از کنار تان عبور می‌کنند.

لذت هوای تازه

بوستان جنگلی یاس یکی از آن جاهایی است که جان می‌دهد برای پیاده‌روی. در جاده آسفالتی این پارک می‌توانید پیاده‌روی کنید، در هوای پاک نفس بکشید یا آزادانه دوچرخه‌سواری کنید و در مسیری پرچالش، اما لذتبخش رکاب بزنید. البته در این پارک، دوچرخه گرایه داده نمی‌شود و برای انجام این ورزش باید دوچرخه همراه داشته باشید. احتمالاً هم دونه‌های حرفه‌ای زیادی را در این بوستان خواهید دید که با سرعت از کنار تان عبور می‌کنند.

۴۷ کیلومتر گردشگری

بگذارید با آخرین مسیری که برای پیاده‌روی و البته دوچرخه‌سواری در حال ساخت است، شروع کنیم. مسیری گردشگری و تندرستی ۴۷ کیلومتری حد فاصل بوستان‌های فدک، پر دیسان و نهج البلاغه ۱ و ۲ که با نام «مسیر زندگی» شناخته می‌شود. قرار است تا پایان اسفند به بهره‌برداری برسد؛ با این حال بخش عمده‌ای از این مسیر آماده شده تا شهروندان تهرانی بتوانند علاوه بر پیاده‌روی، یک گردش یک روزه را نیز در این مسیر تجربه کنند. این طرح با استفاده از ۲ لاین و یک تونل موسوم به نقش نور، بوستان‌های مجزا در طول مسیر را به همدیگر متصل می‌کند تا در نهایت ۴۷ کیلومتر مسیر پیاده‌روی و گردشگری کامل شود و پایتخت‌نشینان از این مسیر لذت ببرند.



پیاده‌روی در شب

جاده سلامتی توجال در شمال تهران، از همان پارکینگ شروع می‌شود و تا ایستگاه اول ادامه دارد. اگر آقدر نفس دارید که در شب توجال پیاده‌روی کنید، این مسیر می‌تواند سر حالتان بیاورد. جاده سلامتی توجال ۲ کیلومتر طول دارد و بعد از پایان آن به بام تهران می‌رسید و می‌توانید منظره شهر را از آن بالا مشاهده کنید. اگر با سرعت معمولی پیاده‌روی کنید، حدود ۲۵ دقیقه بعد در ایستگاه اول خواهید بود. در بین مسیر هم جاذبه‌های دیدنی مثل غار، چشمه، بوستان و حتی رستوران و امکانات تفریحی مثل زپ لاین، سس‌ونگ، سخره‌نوردی و اتاق فرار وجود دارد.

کوچه گرد گردش ارواح در میدان محمدیه!



لیلیا باقری
راوی: شما به روح اعتقاد دارید؟
او دارد، ۲ تا انتخاب دارید؛ یا ته هرچی رو کشیدید پرت کنید بیرون یا پرت نکند بیرون...
فری رو: چی چپو ته هرچی رو کشیدید پرت نکند یا نکند، ایچی! بوخوری شدیم پس که این نسناس‌ها هر کوفت روشنی رو دیدن و در داشتن و کشیدن تا ببینن سیگار ادیب‌السلطنه‌س یا نه!
راوی: فری و اومن بده... می‌گفتم: اعتقاد دارید یا ندارید ۲ تا انتخاب دارید...
مشفق میرزا: ندارند بانو! ندارند...
راوی: اعتقاد به روح؟
مشفق میرزا: خیر بانو... حق انتخاب!
راوی: به ده زبون به دهن بگیرید و اومنده...
علی قاتی (با خنده): من و اناومند، بسته موندم... بعد وا شد... من وابسته موندم...
راوی: وابسته موند، رو آب بخندی یخچال!
مشفق میرزا: بانو! ایشان او را به مرده‌شوی خانه برده و سر تخت شستند و احتمال اگر قرار بوده روی آب بخندند، همان وقت خندیده...
علی قاتی (با خنده): نه نخندیدم میرزا!...
فری رو: ببینن ایچی! واسه همین چیزاس که می‌گم نندان زمین ته هرچی کشیدین...
راوی: وایسید ببینم! فری رو تو می‌گی هر چیزی پرت نکنن، چون ممکنه سیگار نباشه و علی قاتی هر چیزی رو نکشه به هوای تجربه دوباره سیگاری که قبل اعدام از دست ادیب‌السلطنه، رئیس نظمی روزگار قدیم تهرون گرفته؟
فری رو: خیر... نه بله بابا به علی مادر مرده که سیگار میگار ندان! این روحای علاقه براش سیگار ادیب‌السلطنه رو گفتن... این اصلاً نمی‌دونه سیگار چیه، اون وقتان بوده... حالا سر روحی فیلش یاد هندستون می‌کنه.
راوی: تو هم شدی لنگه مشفق میرزا نقطی، گیر می‌دی به همه‌چی؟
مشفق میرزا: مگر من چه عیب و ایرادی دارم بانو؟ جز همان یک ایراد اعتیاد به چیق و زیادت خواستش که رفتم چیتی بکشم اما چیتقم را حسابی چاقی کردند...
راوی: حیف که نمی‌شه نسق روح رو کشید... آخه میرزا حسابی! یارو رو آوردن میدون اعدام، دارن بهش چیق آخرو می‌دن، تو پریدی وسط گفتی بده من بکشم؟
مشفق میرزا: مرا قضاوت نکند! خرچ زندگی‌ام مدتی چنبر گشته بود، به تهران آمدم تا چندی به عریضه‌نویسی مشغول باشم، سخت خمار چیق بودم که...
فری رو (با خنده): نسناس... که دیدی یارو وسط میدون داره ناله می‌کنه یکی بیاد چیق منو بکشه و تو هم گفتی چی مبتز از مفت کشی و رفتی اون چیتی رو گرفتی که نقد توتون داخلش ریخته بودن که ور قلمبیده بود و به ضرب شستنت صاف و صوف کردی و هیچ حالت هم نشد که میر غضبه داره واست کبیریت می‌کشه و چن تا بوک غلاج مشتت هم زدی که یهو دیدی دل ناغافل، رفتی گل دارا!
راوی: راحت شدی میرزا... از تو عریضه بنویس در نمی‌اومد.
مشفق میرزا (با ناراحتی): جبار تا بقیه ارواح را مسخره بفرمایید، این فریدون روح خبیث السلطنه یا علی شیره قاطی کن...
علی قاتی (با خنده): بابا شیره، شیره...
فری رو: دکی... میرزا به جوری می‌گی شیره... انگار... بابا انگور ش چه فرقی با خرماش داره، اون رئیس افتافه مجذوش هم آگه سوسه نمی‌اومد، علی جنستشو داده بود به داروغه و رفته بود... حالا بگیریم قاطی داد، فرتی باید خرکش کنن میدون اعدام!
علی قاتی (با خنده): پاقایق...
فری رو: اون وقت که تو رو گردوندن تو گذر و بازار و حق تیغ خواستن و ملت دلشون سوخت واست و سکه رو سکه انداختن که زود خلاصت کنن اسمش پاقایق بود، زبون بسته...! میر غضب دس بسته، کشون آوردت روی کبه خاک وسط میدون و تخته بندت کرد به اون نیم ستون آجر... بعدش اسمش شد اعدام، حالا هم که محمدیه‌س.
راوی: عهپهه... فری رو... تلخمون نکن!
فری رو: تلخ تو کرتم... تا قبل مشروطه که مردم می‌داشتن جلو توپ و... بو میسب! به تیکه ش هم نمی‌موند واسه رو تخت مرده‌شور، خونه یا خفه می‌کردن یا سوار الاغ می‌بردن یا قایق گردن میزدن، خیلی هامت همی علی رو واسه به شیره قاطی گردن زدن... بعدش که تازه قانون اومد، همین میرزای خل وضو به خاطر هوس چیق بردن گل دار، **راوی:** تو چی؟
فری رو (و من کتان): شما که خودت هم بودی، چند دفعه بگم تا یادت بیاد... بز خیالونو گز می‌کردیم... صدای دور باش دور باش می‌اومد... سیگارم هنوز لا لبام بود... برگرفته از خرده مراسم قبل از مجازات محکوم و سرنوشت میدان محمدیه در تهران روزگار قدیم.

باسکن این کیوار کد
پادکست مربوط به یادداشت
راششوند

